

راهکارهای نهادینه کردن همت و کار مضاعف

مقدمه

سخن ما در این قسمت به نهادینه کردن فرهنگ کار و تلاش مضاعف در ابعاد اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی است، چراکه اگر در جامعه کار و تلاش در تمام ساحت‌ها مقدس شمرده نشود و حس مسئولیت برای تلاش فراوان در آحاد مردم جامعه زنده و تقویت نگردد، نهادینه کردن وجدان کاری و احساس تکلیف بسیار مشکل خواهد بود، رسول اکرم(ص) در حیات پربرکتش روحیه کار و تلاش را همواره تقویت می‌کرد. به عنوان مثال وقتی می‌فهمید اسلحه جدیدی برای جنگیدن از کشوری به بازار آمده است، دستور می‌داد چند نفر از جوان‌های مسلمان با خرج بیت‌المال به آن کشور اعزام شوند و تا سرحد تولید در آن کشور بمانند.

رسول اکرم در تمام موارد شخصاً دست به کار می‌زد، به عنوان نمونه با مسلمان‌ها در ساختن مسجد قبا و مسجد مدینه مشارکت فعال داشتند. آن حضرت گاهی دست پینه‌بسته کارگری را می‌بوسید و می‌فرمود: «می‌بوسم آن دستی را که خدای متعال دوست دارد.»

در این بخش، سخن ما از نهادینه ساختن فرهنگ کار و تلاش در عرصه اقتصادی و اراده راهکارهای آن می‌باشد.

از نظر نویسنده چند عامل می‌تواند در نهادینه ساختن همت و کار مضاعف، مؤثر باشد:

یکم: مدیریت علمی

همت بلند و تلاش مضاعف، بدون مدیریت کارآمد و عالمانه فراهم نمی‌شود. ملت‌های متمدن و توسعه‌یافته همواره در پرتو مدیریت عالی و مدیران فرهیخته و پرتلاش، به همت متعالی و کار مضاعف رسیده‌اند. امروزه بخش عظیمی از ناکارآمدی‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و فقدان وجدان کاری به نحوه مدیریت مدیران نالایق برمی‌گردد. مردم همگی باید در حوزه کاری، دین، سیاست و درون خانواده خود، اقتصاد را مدیریت نمایند. در حدیثی از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: «کمال به تمام معنا در سه عامل خلاصه شده است: فهم عمیق از دین و صبر در برابر مصایب و مشکلات زندگی و اندازه‌گیری در معیشت.»^۱ جامعه کمال یافته، جامعه‌ای است که در تفقه دینی، پایداری در انواع مصایب و تعادل خرج و دخل کوشا باشد. انسان فهیم باید مصارف را طبق درآمدهایش مدیریت نماید و گرنه به فقر و بدبختی دچار می‌شود.

دوم: تقویت انگیزه دینی و انقلابی

تبلیغ و تعلیم آموزه‌های دینی و ارزش‌های معنوی، یکی از عوامل نهادینه ساختن فرهنگ کار و تلاش در جوامع اسلامی است. آموزش‌های قرآنی و مواعظ اخلاقی در مورد کار و توجه دادن آحاد جامعه به سیره عملی و نظری پیامبران و امامان در زندگی

فردی و اجتماعی، می‌تواند به کار و فعالیت اعضای جامعه در تمام میادین، سرعت روزافزون بخشد، زیرا هر انسانی طبق انگیزه‌های درونی خویش عمل می‌کند. قرآن می‌فرماید: «كل يعمل علی شاکلته»^۱، هر انسانی مطابق عقاید و فرهنگ شکل یافته و هسته‌بندی شده در درونش تلاش می‌کند، چراکه اگر ایمان و انگیزه نسبت به امری تشدید شود، بدون شک قاطعانه عملیاتی بر طبق آن انجام خواهد شد. در قرآن کریم به این حقیقت به تعبیرات مختلفی اشاره شده است، از آن جمله:

«الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت»^۲ طبق این آیه آنان که به اصول و فروع دین ایمان آورده‌اند و فرهنگ مسلمانی بر عقل و جانشان نشسته است، به یمن این ایمان در راه خدا و اعتلای کلمه حق به پیکار می‌پردازند.

بی‌گمان پیکار و جهاد در میدان جنگ، بالاتر از داشتن همت عالی و تلاش مضاعف در عرصه زندگی معمولی است. چراکه پیکار در راه اعلای فرهنگ اسلامی و کلمه حق و محو فرهنگ کفر و الحاد، منتهای تلاش را می‌طلبد و سعی و کوشش همه‌جانبه می‌خواهد. پس از جنگ ویتنام به پیرزنی گفتند: امروز چگونه با آمریکا می‌جنگید؟ گفت: با برنج کاری و تلاش اقتصادی می‌جنگیم،^۳ تا وابستگی پیدا نکنیم و خودکفا شویم.

بلافاصله در ادامه آیه می‌فرماید: کسانی که کفر می‌ورزند و به اصول و فرهنگ کفر ایمان دارند، بدون شک برای تقویت حکومت‌های طاغوت دست به پیکار می‌زنند، چون ایمان و اعتقاد به یک نظام

دینی و فرهنگی در هر زمینه‌ای که باشد، انگیزه‌ها را تقویت می‌کند و انسان را در راه ایمانش به تلاش و کوشش بی‌وقفه وامی‌دارد. اسلام بالاترین تشویق را به کار و فعالیت اقتصادی و داشتن همت‌های بلند در تولید و توزیع ثروت نموده است.

سوم: ارزش دادن به تولید ثروت به کمک آیات و روایات و باورهای اسلامی

باید کار و کوشش و تولید ثروت، در جامعه ارزش تلقی شود و نگاه‌های منفی و نادرست به شخص ثروت‌مند به کلی برطرف گردد و به کمک تعلیمات دینی، نوع بینش و دیدگاه‌های مردم نسبت به دنیا تغییر کند، بدین‌گونه که دنیا را مزرعه آخرت بدانیم و تلاش و کار در راه تأمین معاش را جهاد فی سبیل الله تلقی نماییم. در اغلب منابع شیعه و سنی و کتب فقهی از رسول اسلام نقل شده که فرمود: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله»^۴ هر آن‌کس که برای تأمین معاش خویش و خاندانش زحمت بکشد به- منزله مجاهد فی سبیل الله است». متأسفانه برخی از روش‌های امدادی و کمک‌های مستقیم مالی نسبت به کسانی که توانایی کار دارند، موجب شده است که برخی از تن‌پروران به جای اشتغال به کار، به دنبال دریافت کمک‌های سازمان‌های امدادی و مردمی باشند که این امر (گدایی)، ضربه جبران‌ناپذیری به پیکر فرهنگ کار و اشتغال وارد می‌سازد. برخی از مردم براساس گفته میلغان اسلامی (صدقه، دفع بلا می‌کند)، به هر سائلی که می‌رسند بدون توجه به وضع جسمی و توان‌مندی‌های دیگر، به او کمک‌های مالی می‌نمایند. بلکه از این بین به اشخاص سالم و توان‌مند و بعضاً به معتادان نیز کمک می‌کنند، در صورتی که در فرهنگ دینی از

تن آسایی، ول گردی و بیکاری با نفرت و نکوهش یاد شده است. مضاف بر آن بسیار اتفاق افتاده، فقیری که را به ارتکاب جرمی دستگیر شده، میلیون‌ها تومان پول در حساب بانکی داشته است، درحالی‌که در سیره رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار(علیهم السلام) چنین شیوه‌ای جز در موارد استثنایی در کار نبوده است و بدون حساب و کتاب کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم نمی‌کردند، بلکه در بسیاری از موارد سائل را به کار و اتخاذ شغل و حرفه تشویق می‌نمودند که در این قسمت به چند نمونه می‌پردازیم:

۱) زراره می‌گوید: فقیری خدمت امام صادق(ع) رسید و تقاضای کمک کرد و گفت: نه اهل کسب هستم و نه تجارت. حضرت فرمود: «اعْمَلْ فَاحْمِلْ عَلَيَّ رَأْسَكَ وَ اسْتَغْنِ عَنِ النَّاسِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَدْ حَمَلَ حَجْرًا عَلَى عَاتِقِهِ فَوَضَعَهُ فِي حَائِطٍ لَهُ مِنْ حَيْطَانِهِ وَإِنَّ الْحَجَرَ لَفِي مَكَانِهِ»^۶ کارکن، با سر و پیکرت باربری نما و از مردم بی‌نیاز باش چراکه رسول الله شخصا سنگ را بر شانهاش حمل می‌کرد و روی دیواری از دیوارهایش می‌گذاشت.

۲) در کتاب بحار الانوار دارد: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا نَظَرَ الرَّجُلَ فَأَعْجَبَهُ»^۷ شیوه پیغمبر این بود هرگاه به آدم صحیح و سالمی که تکدی‌گری می‌کرد می‌نگریست تعجب می‌کرد، می‌پرسید: آیا شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند حرفه و کاری ندارد، می‌فرمود: «از چشمم افتاد» پرسیدند: چرا این‌گونه سقوط کرد؟ فرمود: «هرگاه مؤمن حرفه و پیشه‌ای نداشته باشد، به وسیله دینش زندگی خواهد کرد»^۸ یعنی می‌گوید: به خاطر اسلام به من کمک کنید و دین را وسیله‌گدایی قرار می‌دهد و بسا اتفاق می‌افتد که دین را به دنیا

می‌فروشد. به فرموده رسول اکرم(ص): «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»^۹ گاهی فقر سر از کفر و الحاد بیرون می‌آورد.

۳) در حدیث قدسی است که خطاب به پیامبر(ص) فرمود: «يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ الْخَيْرِ؛ عِبَادَتُ دَهْ جُزْءٍ دَارِدُ كَهْ نَهْ جُزْءٌ أَنْ كَسَبَ مَالٍ حَلَالٍ اسْت. هرگاه طعام و شرابیت پاک شد، تو در حفظ و کنف عنایت من خواهی بود.»^{۱۰} در بسیاری از مواقع اتفاق می‌افتاد که رسول اکرم(ص) سایل را پیش از طرح نیاز و پرسش، راهنمایی کرده و می‌فرمود: «هرکس به فکر کار و عمل باشد خداوند او را بی‌نیاز می‌سازد». آن شخص، سؤال نکرده برمی‌گشت. مرتبه دوم و سوم نیز مایوس می‌شد، در نتیجه به حکم اضطرار کاری را شروع کرده و در اندک زمانی خداوند او را بی‌نیاز می‌ساخت، از سوی دیگر رسول اکرم کارگر را مورد تکریم قرار می‌داد، روزی کارگری را دید که دستش بر اثر فشار کار آماس کرده است. دست او را بلند کرد فرمود: «آتش دوزخ هرگز این دست را نمی‌سوزاند این دستی است که خدا و پیغمبر آن را دوست دارند، هرکس از دسترنج خود زندگی کند خداوند با نظر رحمت به او بنگرد.»^{۱۱} وانگهی با تکدی‌گری جز در مواقع اضطرار نمی‌شود مال حلال به دست آید. اصولاً کسب مال حلال و اجتناب از مال شبهه‌ناک در اسلام از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و ساز و کارهای خاصی را می‌طلبد. امام علی(ع) به شاگرد عارف و آگاه خود کمیل بن زیاد می‌فرماید: «ای کمیل! بدان که زبان از قلب تغذیه می‌کند و قوام قلب و عقل به وسیله غذا تأمین

می‌شود. پس دقت کن بین جسم و جان از چه کانونی تغذیه می‌شود، اگر از مال حلال نباشد بدان خداوند تسبیح و شکر تو را نمی‌پذیرد.»^{۱۲}
چهارم: تأکید بر اهمیت کار در اسلام

اسلام در راستای نهادینه کردن فرهنگ کار، آن را سخت مورد تأکید قرار داده، به گونه‌ای که کار کردن یکی از عبادت‌های بزرگ و بهترین وسیله تقرب به ساحت الهی محسوب شده است. قرآن می‌فرماید: «لیس للانسان الا ما سعی* و ان سعیه سوف یری»^{۱۳} برای انسان جز آن‌چه که با سعی و تلاش به دست آورده، محصول و ثمری حاصل نمی‌شود و به زودی سعی و تلاش خود را خواهد دید» و نتیجه آن را در دنیا و عین عمل را در آخرت مشاهده خواهد کرد. هر مسلمانی از نظر دینی باید حرفه و شغلی داشته باشد، انسانی که کار را رها کرده و مانند راهبان به عبادت پردازد، از نظر تمام انبیا منفور معرفی شده و دعایش مستجاب نمی‌شود.

در حدیث دیگر از امام صادق(ع) رسیده که «بهشت دارای درجات و مقاماتی است و هر کس در میدان مسابقه در کسب و کار دنیا از دیگری سبقت بگیرد، در رسیدن به درجات بالای بهشت نیز پیشی خواهد گرفت: «انما تُفاضِلُ القومُ بالاعمال»^{۱۴} چون هر قومی به وسیله اعمال و کارهایش بر دیگری برتری پیدا می‌کنند». در اسلام داشتن درآمد بیش‌تر از درآمد کم‌تر مطلوب‌تر است، چراکه با مازاد درآمد می‌توان کارهای نیک انجام داد و به خویشاوندان، مستمندان و معلولان رسیدگی نمود. امام علی(ع) در گرمای سوزان عربستان چاه‌ها و قنات‌های زیادی احداث می‌کرد. نخلستانی با هزار درخت خرما آباد

نمود و زمین‌های بسیاری را زیر کشت برد و با حاصل دسترنج خود، عده زیادی از اسیران را خریداری کرده و آزاد می‌ساخت. چراکه حضرت معتقد بود عمل خیر، مرز خاص و محدودیتی ندارد، هرچه بیش‌تر باشد بهتر است. در مقام سفارش به کسی که تقاضای موعظه کرد فرمود: «اوصیک ان لا یکونن لعمل الخیر عندک غایة فی اکثره»^{۱۵} توصیه می‌کنم برای کثرت عمل خیر در نزد تو، نهایت و محدودیتی نباشد.»

پنجم: مبارزه با بیکاری و فقر

مسئولان دین باید با بیکاری مبارزه کنند، چراکه تنبلی و تن‌پروری از نظر اسلام محکوم و مطرود می‌باشد. به جوانان و عناصر ول‌گرد نیز باید خاطرنشان کرد که بی‌اعتنایی به کار و تلاش و روی آوردن به تنبلی و بی‌کاری در عرصه اقتصادی، از نظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به عنوان یک معضل اجتماعی و پدیده زیان‌بار معرفی شده است به طوری که اختلالات روانی، نابهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری‌های اخلاقی از پی‌آمدهای منفی آن به شمار می‌رود و بسا آسیب‌های روانی جبران‌ناپذیری ممکن است به بار آورد. تنبلی و گریز از کار و فعالیت، ریشه اقتصادی ندارد بلکه ریشه در فرهنگ نادرست و حاکم بر این‌گونه افراد دارد. در این‌گونه مواقع می‌توان با ایجاد فرهنگ کار و ارزش‌گذاری به انواع مشاغل و هدایت افراد به سمت و سوی نگاه عبادی به کار، انگیزه‌های مردم را افزایش داد و از شمار بیکاران کاست. به افراد جامعه باید تفهیم نمود که اتلاف وقت از گناهان بزرگ محسوب می‌شود و برای رسیدن به سعادت مادی و

معنوی باید از اوقات، استفاده بهینه کرد و عمر گرانمایه را بی جهت ضایع نمود. به قول پروین اعتصامی:

فرصت عمر بدین خیرگی از دست مده

آخر این عمر گرانمایه بهایی دارد
ششم: تقویت روحیه عزت نفس

یکی از راه‌های نهادینه کردن فرهنگ کار، پرورش عزت نفس و سیادت ذاتی است که در نهاد همه انسان‌ها قرار دارد و به‌طور طبیعی انسان را از تکدی‌گری و بیکاری باز می‌دارد. کرامت نفس، باعث می‌شود که بشر زیر بار منت نرود و از دسترنج خویش استفاده کند، مشروط بر این‌که کرامت و عزت نفس پرورش یابد و با تحقیر و توهین تضعیف نشود و این حقیقت در ادبیات تمام ملت‌ها به‌خصوص در ادبیات و فرهنگ اسلام انعکاس وسیعی دارد. در گلستان سعدی آمده است که: پیرمردی قد خمیده مشغول جمع‌آوری هیزم و خارکنی بود و عرق می‌ریخت. دست‌هایش مجروح و خون‌آلود شده بود. رهگذری رسید و گفت: پیرمرد چرا خودت را به زحمت انداخته‌ای، مگر آوازه جود و سخاوت حاتم طایی را نشنیده‌ای؟ او جواب داد، من حاضرم کار کنم و از کدّ یمین و عرق جبین زندگی کنم تا زیر بار منت حاتم طایی نروم. هر که نان از عمل خویش خورد

منت حاتم طایی نبرد

امام علی(ع) در شعری که منسوب به آن حضرت می‌باشد، می‌فرماید:

صخره‌ها را از کوه‌کندن و بر دوش کشیدن و از قلّه کوه‌ها به زمین هموار آوردن، پیش من محبوب‌تر از تحمل منت دیگران است. گروهی می‌گویند کار کردن عار و ننگ است، ولی من می‌گویم عار و ننگ در منت کشیدن و کمک خواستن از مردم است.^{۱۶} آری هرکس که همت بلند و اراده نیرومند و سیادت نفسانی داشته باشد تا آخرین نفس به کار و تلاش می‌پردازد و هرگز حاضر نیست زیر بار منت احدی رود و سربار جامعه باشد. مرغ را پر می‌برد تا آشیان

پر مردم همت است، این را بدان
قدر همت باشد آن جهد و دعا

لیس للانسان الا ما سعی

سردبیر

پی‌نوشت‌ها:

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲؛ تحف العقول، ص ۲۹۲ و دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۵۵.
۲. اسراء (۱۷) آیه ۸۴.
۳. نساء (۴) آیه ۷۶.
۴. در روزنامه‌های ایران پس از خاتمه جنگ ویتنام منعکس بود.
۵. فقه الرضا، ص ۲۰۸ و کافی، ج ۵، ص ۸۸.
۶. کافی، ج ۵، ص ۷۶، حدیث ۱۴ و وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۸.
۷. المستدرک الوسایل، ج ۱۳، ص ۱۱ و بحار، ج ۱۰۳، ص ۹.
۸. المستدرک الوسایل، ج ۱۳، ص ۱۱.
۹. کافی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۶۵.
۱۰. المستدرک الوسایل، ج ۱۳، ص ۲۰.
۱۱. امالی طوسی، ص ۲۶.
۱۲. تحف العقول، ص ۱۷۴ و المستدرک الوسایل از بشاره ج ۵، ص ۲۱۸، حدیث ۵.

-
۱۳. نجم (۵۳) آیات ۳۹ و ۴۰.
۱۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۸۸ و بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۰۵.
۱۵. تحف العقول، ص ۲۱۱.
۱۶. المبسوط سرخسی، ج ۳۰، ص ۲۷۲ و نهج السعاده محمودی،
ج ۸، ص ۲۹۹.



پرو، شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی